معرفی طرح پژوهشی: وضعیت میادین شرکت نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و لزوم استیفای حقوق کشور در این ارتباط

طبق قانون فلات قاره ایران مصوب سال‏ 1334 شمسی(1955 میلادی)مناطق و همچنین منابع طبیعی کف دریا و زیر کف‏ آن تا حدود فلات قاره سواحل و جزایر ایران در خلیج فارس و بحر عمان متعلق به‏ دولت ایران و تحت حاکمیت دولت ایران بوده‏ و می‏باشد.همچنین مطابق مقررات ماده 6 مقاوله نامه ژنو،هر گاه فلات قاره واحدی‏ بین دو کشور مجاور و یا دو کشور متقابل، مشترک باشد،تحدید حدود فلات قاره هر کدام‏ از آن کشورها،براساس قراردادی خواهد بود که بین آنها منعقد گردد و در صورتی که‏ قراردادی وجود نداشته باشد تحدید حدود براساس خط منصف،به عمل خواهد آمد،مگر آنکه اوضاع و احوال خاص،مقتضی ترتیب‏ دیگری باشد.

ماده سوم قانون فلات قاره ایران نیز حکم‏ می‏کند که چنانچه فلات قاره مندرج در ماده 6 مقاوله نامه ژنو،تا سواحل کشور دیگر بسط داشته و یا با کشور همجوار دیگر مشترک باشد، در صورت بروز اختلاف نسبت به حدود فلات‏ قاره ایران،اختلاف مزبور براساس انصاف حل‏ خواهد شد و دولت برای حل این قبیل اختلافات‏ احتمالی اقدامات سیاسی لازم را انجام خواهد داد.

دولت ایران مرزهای فلات قاره خود با عربستان سعودی و قطر را از طریق قرارداد و توافق تعیین کرده است.تحدید حدود با عربستان سعودی در سال 1347 و با قطر در سال‏ 1348 انجام یافت.خط مرزی فلات قاره ایران و عربستان سعودی در ماده 3 قرارداد با تعیین‏ مختصات جغرافیایی تعدادی نقاط مشخص‏ گردیده و روشن نشده است که انتخاب نقاط مزبور بر چه مبنایی صورت گرفته است.در واقع‏ باید گفت این تحدید حدود جز در دو ناحیه، براساس خط منصف که از مبدأ سواحل اصلی‏ دو کشور اندازه گرفته شده باشد انجام پذیرفته است.دو ناحیه‏ای که خط مرزی را از مبنای‏ خط ساحل منحرف کرده عبارتست از:

1-ناحیه‏ای که در مجاورت جزایر فارسی و عربی قرار می‏گیرد.

2-ناحیه‏ای که در برابر جزیره خارک واقع‏ است.

در ناحیه نخست،عربستان سعودی‏ حاکمیت ایران را بر جزیره فارسی و دولت ایران‏ حاکمیت عربستان سعودی را بر جزیره عربی به‏ رسمیت شناخته و برای هر یک از دو جزیره، کمربندی از آبهای ساحلی به مساحت 12 میل از حد پست‏ترین جزر قایل شده‏اند.اما در ناحیه‏ای‏ که در برابر جزیره خارک واقع است،به علت‏ وجود منابع نفتی زیر زمینی قابل توجهی که‏ وجود دارد وضعیت پیچیده‏تر و مشکل‏تر بود. زیرا هر گاه جزیره خارک از طرف ایران جزء نقاط مبداء برای ترسیم خط منصف به حساب می‏آمد، تقریبا سراسر ساختمان نفتی مذکور در قسمت‏ فلات قاره ایران واقع می‏شد.ولی اگر خط منصف را بر مبنای ساحل به ساحل ادامه‏ می‏دادند و اثری برای جزیره خارک مترتب‏ نمی‏کردند،کلیه میدان در قسمت عربستان‏ سعودی قرار می‏گرفت.ایران این ساختمان نفتی‏ را جزء فلات قاره خود محسوب نموده و بهره‏برداری از آن را به ایپاک(شرکت ملی نفت‏ ایران و کمپانی آمریکایی پان آمریکن اینترنشنال) واگذار کرده بود و عربستان سعودی هم متقابلا آن را جزء فلات قاره خود محسوب و امتیاز بهره‏برداری از آن را به آرامکو اعطاء نموده بود.خلاصه آنکه پس از مذاکرات ممتد این راه حل مورد توافق قرار گرفت که میزان‏ نفت موجود در میدان،براساس اطلاعاتی‏ که از حفاری‏های انجام یافته توسط دو طرف به‏ دست آمده،برآورد شود و آنگاه مسیر خط مرزی‏ در این ناحیه طوری تعیین گردد که ذخایر زیرزمینی نفت را به دو قسمت مساوی منقسم‏ سازد.

نهایتا به موجب این قرارداد خط مرزی فلات‏ قاره میان دو کشور به وسیله خطوط مستقیمی که‏ 14 نقطه معین را به هم می‏پیوندد مشخص‏ گردید که طول و عرض جغرافیایی آنها از روی‏ نقشه خلیج فارس که در تاریخ 1966 از طرف‏ رسته مهندسی ارتش آمریکا تهیه شده بود پیاده‏ گردید ولی در قرارداد مزبور تصریح نشده است‏ که این نقاط چهارده‏گانه با مختصات جغرافیایی‏ مذکور به چه علت مورد نظر قرار گرفته و فلسفه‏ انتخاب آنها چه بوده است.

به طوری که از مندرجات نشریات بین‏المللی‏ نفتی و اظهارات منابع مطلع بر می‏آید عربستان‏ سعودی به همراه دیگر همسایگانش طی سالهای‏ گذشته استفاده از تکنولوژی حفاری افقی را جهت افزایش بازدهی تولید نفت و کاهش‏ هزینه‏های تولید مورد توجه قرار داده و نتایج‏ بررسی‏ها نشان داده است که استفاده از این متد با موفقیت روبرو بوده به طوریکه ظرفیت تولید به‏ سه برابر افزایش یافته است در این راستا عربستان در سال 1993تولید از میدان مشترک‏ خود با ایران(میدان مرجان)را به میزان حدود 6 برابر نسبت به قبل و از 110 هزار بشکه در روز به 600 هزار بشکه در روز افزایش داده است.در حالی که تفاهم اولیه بین طرفین در موافقت‏نامه‏ این بوده است که منابع موجود در میدان مورد بحث به نسبت متساوی توسط طرفین مورد استفاده قرار گیرد و بدیهی است که در آن زمان‏ چون تکنولوژی حفاری افقی در دنیا شناخته‏ نشده بود تدابیر مشخصی برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی یک طرف علیه طرف دیگر که‏ نتیجه به کار گرفتن این تکنولوژی باشد در موافقت نامه پیش‏بینی نشده است.اما اصل‏ مطلب یعنی التزام طرفین به خودداری از دست اندازی به سهم طرف دیگر در میان مشترک‏ به قدر کافی روشن می‏باشد حتی به موجب نامه‏ ضمیمه موافقت‏نامه مقرر شده است که در مجاورت منطقه ممنوعه فقط باید از روش‏ حفاری عمودی استفاده شود و اگر در مورد خاصی ملاحظات فنی ایجاب کند که چاه‏ انحرافی زده شود انحراف باید از حداقل ضروری‏ تجاوز ننماید.در کشور قطر نیز برنامه‏های‏ وسیعی به منظور بهره‏برداری از میدان گازی‏ مشترک با ایران(پارس جنوبی)به موقع اجرا گذارده شده است.بدیهی است که بهره‏برداری‏ یک طرف از میدان مشترک به زیان طرف دیگر تمام می‏شود و جمهوری اسلامی ایران نمی‏تواند نظاره‏گر ادامه عملیاتی باشد که بالمآل به کاهش‏ عظیم مقدار قابل برداشت ایران از ذخایر گازی‏ منبع مذکور منتهی گردد.

متن قسمتی از موافقتنامه ایران-قطر مورخ‏ 1348 که به تعیین حریم در نوار مرزی مربوط می‏شود به شرح زیر است:

«هرگاه ساختمان زمین‏شناسی یا میدان نفتی‏ واحد،یا هر ساختمان زمین‏شناسی واحدی از مواد معدنی دیگر،به آن طرف خط مرزی‏ مشخص در ماده(1)این موافقتنامه امتداد یابد، و آن قسمت از این ساختمان یا میدان را که در دو طرف خط مرزی واقع شده باشد بتوان کلا یا جزئا به وسیله حفاری انحرافی از طرف دیگر خط مرزی مورد بهره‏برداری قرار داد در این‏ صورت:

الف)در هیچ یک از دو طرف خط مرزی‏ مشخص در ماده یک هیچ چاهی که بخش بهره ده‏ آن کمتر از 125 متر از خط مرزی مزبور فاصله‏ داشته باشد حفر نخواهد شد،مگر آنکه طرفین‏ نسبت به آن توافق بنمایند.

ب)طرفین کوشش خواهند کرد که نسبت به‏ نحوه هماهنگ ساختن عملیات و یا وحدت آن در دو طرف خط مرزی توافق حاصل نمایند).

تقریبا مشابه همین مقررات در موافقتنامه‏های تحدید حدود فلات قاره‏ ایران-بحرین مورخ 1350(1971)و ایران-عمان مورخ 1353(1974)نیز موجود است.

به موجب توافقنامه‏های دیگر در مورد تحدید حدود با برخی از شیخ‏نشینهای عضو امارات متحده عربی نیز یک کمیسیون مشترک‏ دائمی برای تبادل اطلاعات بین طرفین به وجود آمده است.

در هر حال اهمیت موضوع تحدید حدود فلات قاره و تسهیم منابع مشترک موجود خصوصا با توجه به تحولاتی که در اثر به کارگیری تکنولوژی‏های جدید پدید آمده‏ است مؤسسه مطالعات بین‏المللی انرژی را بر آن داشت تا در سال 1372 مطالعه هر چند کوتاهی را در این زمینه به عمل آورده و طی آن اسناد مربوطه را مورد بررسی قرار دهد.

پدیده میادین مشترک خاص ایران و همسایگان آن نیست.از این نوع میدانها در سایر نقاط دنیا به ویژه در دریای شمال و آمریکا نیز وجود دارد که مسلما به کار گرفته شدن تکنولوژی جدید حفاری افقی در وضعیت طرفهای ذینفع مؤثر افتاده و راه حلهایی در نظر گرفته شده است.به موجب‏ ماده 4 قرارداد تحدید حدود فلات قاره بین‏ نروژ و بریتانیا در مورد میادین مشترک، طرفین ملزم به مشاوره و توافقهای خاص شده‏اند یعنی توافق در خصوص روشی که برای‏ بهره‏برداری از اینگونه میدانها پیش گرفته می‏شود و توافق در خصوص کیفیت تسهیم درآمدی که از آنها عاید می‏گردد.در این مطالعه اسناد مربوط به‏ این توافقهانیز مورد توجه و بررسی قرار گرفته‏ است.

تشکیل کمیسیون‏های مشترک‏ ایران-عربستان سعودی و ایران-قطر که در این‏ مطالعه پیشنهاد شده،هم با روح موافقتنامه‏های‏ تحدید حدود ایران انطباق دارد و هم با رویه‏ معقول بین‏المللی که در قرارداد بین نروژ و بریتانیا منعکس می‏باشد هماهنگ است.رد چنین پیشنهادی از سوی طرفهای ذینفع بسیار بعید به نظر می‏رسد زیرا که استنکاف از مشورت و تبادل اطلاعات در مورد استفاده از ذخایری که‏ به هر حال مشترک می‏باشد منافی با حسن نیت‏ تلقی خواهد شد.

به موازات اقداماتی که برای مذاکره و تشکیل کمیسیون مشترک به عمل می‏آید، اقدامات دیگر در زمینه جمع‏آوری اطلاعات و آشنایی با کیفیت برخورد کشورهای دیگر در مناطق مشترک نفتی نیز باید انجام شود.همچنین‏ مطالعات و مشورت‏های لازم در زمینه حقوقی‏ نیز باید صورت گیرد تا چنانچه احیانا کشورهای‏ ذینفع در برابر پیشنهاد کمیسیون مشترک ایران‏ واکنش مثبت نشان ندهند حدود و چگونگی‏ اقدامات بعدی مشخص باشد.به نظر می‏رسد کمیسون چهار نفری مقرر در نامه شماره یک‏ ضمیمه قرارداد ایران و عربستان پس از انجام کار تعطیل شده است.در نامه شماره دو اگر چه‏ مقررات جالب توجهی دایر بر لزوم مبادله‏ اطلاعات براساس متقابل و به طور مداوم و نیز لزوم خودداری از عملیات مغایر با موازین‏ حفاظت فنی و روش صحیح صنعت پیش‏بینی‏ گردیده لیکن متأسفانه مکانیسم معینی‏ برای اجرای این مقررات در نظر گرفته نشده‏ است.

در هر حال به نظر می‏رسد قدم اول باید تشکیل چنین کمیسیونی باشد تا جریان‏ اطلاعات را به طور مستمر انجام پذیر سازد.این‏ امر در عین حال وسیله‏ای خواهد بود برای‏ نمایندگان طرفین که از عملیات جاری یکدیگر آگاهی یابند و تبادل نظر کنند و اگر یکی از طرفین‏ برخلاف لفظ و یا روح قرارداد اقدامی صورت‏ دهد در کمیسیون مزبور مطرح گردد.تشکیل‏ چنین کمیسیون مشترکی این امکان را نیز خواهد داد که اگر یکی از طرفین پیشنهادی به منظور بهتر استفاده کردن از میدان مشترک داشته باشد در همان کمیسیون مورد بحث قرار گیرد و یک نوع‏ همکاری و تشریک مساعی در این زمینه به‏ وجود آید.

در هر حال پژوهش انجام شده توسط مؤسسه مطالعات بین‏المللی انرژی می‏تواند مقدمه لازم جهت تصمیم‏گیری مقامات ذیربط در وزارتخانه‏های نفت و امور خارجه جهت پیگیری‏ تحقق منافع ملی کشور در این رابطه را فراهم‏ آورد.